

به رود بپیوندید اگر هدف دریاست

سال ۸۶ در حالی به پایان می رسد که کارگران و مزد بگیران در سراسر ایران سالی سخت و طاقت فرسا را سپری و تحمل کردند. آنها در اعتراض به اجحافات و در طلب حقوق ضایع شده خود در اکسیونهای زیادی شرکت کردند. حاکمان و مجریان قانون صدھا بار به صفوں کارگران حق طلب حمله کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. آنها در همین رابطه صدھا کارگر را دستگیر، بازداشت و زندانی کردند و یا موجب بیکاریشان توسط مسئولان شدند. هزاران کارگر که برای گرفتن دستمزدهای معوقه خود (که در برخی جاها به ۳۰ ماه می رسد) در برابر اداره های دولتی اقدام به تجمع کرده بودند، از سوی نیروهای دولتی که حافظ سرمایه سرمایه داران هستند سرکوب شدند. صدھا کارگر تتها به علت طلب دستمزدهای معوقه از کارفرما در پیچ و خم سیستم بوروکراسی اداری در انتظار صدور رای از سوی هیئت های تشخیص و حل اختلاف سرگردان هستند. جمع زیادی از کارگران با در دست داشتن آرای قطعی اداره کار در پشت درهای بسته دادگاه ها منتظر آرای قطعی هیئت های اداره کار هستند که معمولاً از هر صد نفر یک نفر به نتیجه خواهد رسید.

در سالی که سپری شد، ده ها کارگر بطورق گوناگون دست به خودکشی زدند، (حسن حسنی کارگر کارخانه کف کار که به دلیل عدم توان پرداخت هزینه زندگی خود را در کارخانه حلق آویز کرد، فقط یک نمونه باز از این تراژدیهای است).

کارگران و مزد بگیران شریف!

توجه داشته باشید که چگونه در سال ۸۵ شورای عالی کار افزایش دوگانه دستمزد را تصویب و آن را طی بخشنامه ای به کلیه ادارات کار جهت اجرا ابلاغ کرد، اما کارفرمایان بر آن شوریدند و به اعتراض به تصویب آن در مقابل وزرات کار تجمع کردند و در همانحال صدھا هزار کارگر شاغل را بیکار کردند. متعاقب آن اقدامات وزرات کار دولت مماشت کرد و با افزودن یک تبصره بر آن بخشنامه، پرداخت دوگانه دستمزد را منوط به توافق بین کارگر و کارفرما نمود. بله! در نتیجه اعتراض و اقدامات ضد کارگری کارفرمایان بخشنامه شورای عالی کار لغو شد و آب از آب هم تکان نخورد و کسی هم به اتهام تجمع غیر قانونی دستگیر یا بازداشت نشد؟!

سال ۸۶ دستمزد هر کارگر ۱۸۳۱ هزار تومان تعیین کردند، اما حتی این دستمزد اندک نیز در ۹۰ درصد از کارگاهها به کارگران پرداخت نشد و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق این کارگران در خانه های استجاری زندگی کرده و با این تورم سرسام آور همیشه شرمنده اعضای خانواده و حتی موجر نیز بوده و هستند؛ و لیکن در مقابل، هنگامی که کارگران در اعتراض به کمی دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار تجمع کردند، بالافصله نیروهای حافظ سرمایه در محل حضور یافتند و کارگران را "ضد انقلاب" و مخل امنیت ملی خوانند و آنان را به اتهام اقدام علیه امنیت نظام دستگیر و روانه زندان کردند و همچنین به دلیل اعتراض به بخشنامه شواری عالی کار به محکمه کشانند.

کارگران و مزد بگیران!

هنوز چند ماه به پایان سال ۸۶ مانده بود که مسئولان دولت طی مذاکره های پی در پی دستمزد کارمندان را ۶ در صد افزایش دادند، یعنی در سال ۸۷، ۶ درصد به دستمزد کارمندان دولتی اضافه شد و این در حالی است که رقم تورم و گرانی افسار گسیخته بنا به گزارش پژوهشگاه مجلس شورای اسلامی به حدود ۲۴ درصد رسیده است.

معضل تورم و گرانی که رفتہ رفتہ می رود تا مشکلات و مصائب جامعه را به فاجعه تبدیل کند، برای اکثریت نیروهای جامعه به ویژه طبقه کارگر و مردم زحمتکش کمرشکن است و تاب تحمل را از آنان گرفته است. آری در کشوری با این همه منابع ملی، در کشوری که مردمانش بر روی گنج خوابیده اند، در کشوری که فقط درآمد حاصله از نفتش در همین یکسال بیش از ۶۰ میلیارد دلار بود، آری در چنین کشوری ۸۰ درصد از جمعیت باید جهت تامین هزینه ها و صرف برای زندنه ماندن خود را به آب و آتش بزنند.

کارگران، تشكلهای کارگری!

اگر امروز در پرایر تورم لجام گسیخته و سرسام آور، سکوت کنیم و برای افزایش دستمزد خود علماً به میدان نیایم، اگر اجازه دهیم نمایندگان انتصابی کارگران به همراه کارفرما و دولت در شورای عالی کار سرنوشت مارا به دست بگیرند و میزان دستمزدی که دولت و کارفرماها پیشنهاد می‌کنند برای سال ۸۷ تعین کنند و اگر فریادهای در گلو خفته خود در جهت "حداقل دستمزد باید توسط نمایندگان واقعی کارگران تعیین شود" را سرندهیم، یقیناً سرنوشتی بس ناگوارتر از کارمندان دولت در انتظارمان خواهد بود . اتحاد و تنها اتحاد طبقه کارگر متتشکل در سازمانهای توده‌نی است که به این همه بیداد و اچاف استثمارگران روی زمین پایان می‌دهد .

با پیوستن به صفوف کارگران به پیکار با بانیان و حامیان دردمدی و سیه روزی خود برخیزیم تا استثمار انسان از انسان را خاتمه بخشیم و بازو در بازو، تشكلهای بسازیم تا ریشه ستم و نابرایری را در محقق تاریخ فرو نشانیم .

صفوف مبارزاتیمان هرچه سازمانی‌افته‌تر و فشرده‌تر باد!

زندان مرکزی سنندج ساعت ۴ صبح ۸۶/۱۰/۱۵
محمد صالحی بند پاک ۲